

آیین فهرست نگاری نسخه های خطی

○ محمد تقی دانش پژوه

مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه
مقاله ای درباره فهرست نگاری
نسخه های خطی در مجله کتابداری،
سال ۱۳۴۹ شماره ۳ نوشته اند که با
توجه به اهمیت موضوع و نیز نزدیکی
مقاله با هدف مجله کتاب ماه کلیات،
در اینجا درج می شود.



اصفهان آنچه که به چاپ رسیده بدین گونه است:
قم دو مجلد، مشهد هفت مجلد، دانشگاه تهران
بیست و سه مجلد، نشریه یا بولتن کتابخانه مرکزی
دانشگاه شش مجلد که در آن چندین کتابخانه
خصوصی و عمومی فهرست شده است. از کتابخانه
مجلس شورای ملی مجلد هفدهم فهرست آن زیر
چاپ است. کتابخانه ملی چهار مجلد، فهرست
کتابهای خطی کتابخانه های رشت و یزد و آستانه قم
و کتابخانه های مدارس و مساجد مشهد هم تهیه
شده و زیر چاپ است. فهرست کتابخانه ملی تبریز
نیز یک جلد چاپ شده است.

اینک به قواعدی که فهرست نگار، به خصوص
در فهرست مستدل و توصیفی باید در نظر بگیرد
می پردازیم:

کتابشناسی یا وصف کتاب به طور کلی

۱. کتاب هر گونه نوشته ای است که مقصودی
را برساند یا از موضوعی در آن بحث شود، یعنی
اوراق مجلد یا مابین الدفتین یا یک طومار و کتیبه و
سنگ نوشته و سند و وقف نامه و قبالة و نامه ها و
مکاتیب دوستانه و درباری و دیوانی و عارفانه را باید
به طور توسع کتاب بنامیم و مشمول قانون
فهرست نگاری بدانیم.

۲. کتاب یا متن است یا شرح یا حاشیه یا گزیده
و تلخیص یا بسط و ذیل و مقدمه؛ باز هم کتاب یا
تصنیف است یا املا یا تألیف یا جمع و گردآوری و
تدوین یادداشتها و یادگراها و خطوط (به شکل مرقع
و اجازات) و رسایل و مطالب پراکنده در یک جنگ
یا مجموعه و بیاض و کشکول و سفینه.

۳. هر کتاب را نامی خواهد بود و این نام یا به
نص مؤلف در خود کتاب یا به نقل گفته او به روایت
شاگردان یا کاتبان معین می شود، یا از آثار دیگر
مؤلف یا آثار دیگران مشخص می گردد و شاگرد و
مورخ نام کتاب را معین می سازد. در بسیاری از
نسخه ها در آغاز یا صفحه عنوان یا انجام و
خاتمه کتابت یا در میانه نسخه یا در کراسه شماری
گوشه های بالای صفحه ها به کتاب نام داده

و حیاض الفضلاء مولی عبدالله اصفهانی افندی به
نگارش درآمد که بیبلوگرافی (فهرست) بسیار
خوبی است و مؤلف آن گذشته از کتابهایی که در
اصفهان دیده به شهرهای دیگر ایران هم رفته و
نسخی را که در آنجاها دیده است به یاد سپرده و
وصف آنها را در کتاب خود آورده است.

مقدمه دو کتاب بحارالانوار مجلسی و
عوالم العلوم مولی عبدالله بحرانی هم کتابشناسی
خوبی است و این دو از سده یازدهم است.

در سده سیزده دانشمندی یزدی مثنوی
هدایة الاسماء را نوشت که متن آن را در مجلد ششم
در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه به چاپ
رسانده ام. در سده چهارده میرزا محمد حسین نوری
در مستدرک الوسائل (مجلد دوم) درباره برخی از
کتابهای شعبی به تفصیل سخن گفته است.
دانشمند کنونی، آقا بزرگ تهرانی الذریعه و خان بابا
مشار فهرست کتابهای فارسی و عربی و مؤلفان
فارسی و عربی چاپ ایران و آقای ایرج افشار
کتابشناسی سالانه و دهساله را نوشته اند و کتابخانه
ملی نیز چندین جزوه در این زمینه نشر داده است.

اما فهرست کتب خطی در مشهد و تهران و

فهرست یا برشمردن و شناساندن کتابها بر دو
نوع است:

۱. برشمردن و توصیف کتابهایی که متعلق به
کسی یا کتابخانه ای نباشد و به طور کلی در نظر
گرفته شود، همانکه کتابشناسی یا بیبلوگرافی
می نامند.

۲. برشمردن و توصیف کتابهای متعلق به
موضوع خاص که نسخه شناسی و کاتالوگ
می نامند.

به طور کلی فهرست، خواه کتابشناسی یا
نسخه شناسی باشد، بر دو نوع است:

۱. فهرست دستی و مختصر یا سیاهه برداری
۲. فهرست مدلل توصیفی که در آن وصف
کتاب یا نسخه می آید.

فهرست نگاری در ایران یا در دیگر دیار اسلامی
سابقه ممتدی دارد و با فهرست ابن الندیم و فهرست
شیخ طوسی و رجال نجاشی و معالم العلماء
ابن شهر آشوب و فهرست منتجب الدین رازی و رجال
ابن داود حلی و الفهرسة اشبیلی آشنا هستیم.
در روزگار اخیر، در زمان صفویان، ریاض العلماء

۲. نویسنده نسخه که نامش در پایان یا جاهای دیگر آمده است یا این که از روی قراین مانند تطبیق یا گواهی دیگران معلوم می‌شود و به ویژه تعیین می‌گردد که خط مؤلف است یا نیست و اگر هم در نسخه نوشته شده که از خود مؤلف است باید دقت شود که کاتب نقل قول مؤلف نکرده باشد. صورت خط مؤلف یا نویسنده و کاتب مشهور ناگزیر باید در فهرست کلیشه شود.

۳. تاریخ نوشته شدن نسخه که گاهی مصرح است در آغاز یا میانه یا انجام نسخه و در این مورد باید از تاریخ روز و ماه و سال - اگر در نسخه باشد - به طور کامل یاد کرد. یکی از فواید آن این است که در تدوین تقویم قهقرایی سودمند است. اگر تاریخی در نسخه نباشد، به قراین تاریخی و نشانه‌های نوع خط باید متوسل شد.

۴. جایی را که نسخه در آن نوشته شده است، اگر در آن معین شده باشد، باید یاد کرد.

۵. کسی را که نسخه برای او نوشته شده است یاد کردن ناگزیر است و همین اهمیت آن کس یا کتاب را خواهد رساند.

۶. نشانه‌ها و آرایشها و تصویرها که در نسخه هست باید در فهرست یاد گردد، مانند رنگهای مشکی و سفید آب و شنگرف و زنگار و زعفران در عنوانها و فصلها و بابها و آغاز مطالب و سرلوح و پیشانی و سرفصل و خاتمه و جدول و ستون‌بندی و کمند و نشانه‌های سجاوندی و نقطه‌گذاری با «ه»، «ن» و جز اینها. همچنین حاشیه‌سازی و آرایش میانه سطور و مجالس تصویر نسخه اگر با کلیشه رنگین چاپ شود بهتر است.

۷. حواشی کتاب که از خود مؤلف است یا دیگری و لغوی است یا برای توضیح و نقد مطالب کتاب با ذکر امضاهای صریح یا مرموز آخر آنها.

۸. یاداشتهای آغاز و انجام نسخه یا میانه آن درباره حوادث تاریخی مانند زلزله و سفر و حکومت و زاد و مرگ اشخاص یا آمار جمعیت شهرها و نکات ادبی و شعرها یا فهرست کتابخانه‌ها و کتابها یا حل رموز برخی از کتابها یا سرگذشت دانشمندان و



انجام کتاب و جاهای دیگر که تاریخ یا نکات جالبی دارد در فهرست به چاپ برسد.

۱۰. زبان کتاب را باید فهرست نگار درج کند و اگر هم دو زبانه است قید کند.

۱۱. تعیین موضوع کتاب بسیار مهم است و بهتر است در کتابهای جدید روش تقسیم‌بندی جهانی را پیش گرفت و برای کتابهای کهن تقسیم‌بندی علمی - فرهنگی که این کتاب به آن متعلق است یعنی همان تقسیم‌بندی را که دانشمندان آن فرهنگ آن را معتبر می‌دانند ملاک دانست؛ مثلاً ما باید ببینیم که کندی و فارابی و مشکویه رازی و ابن سینا و طوسی و قطب شیرازی و شمس‌الدین محمد آملی و دیگر دانشمندان ما چه گفته‌اند و به روش آنان پی ببریم و گرنه کتاب را در درست نشناخته‌ایم.

۱۲. در فهرست بجا است که ارزش معنوی کتاب و درجه سودمندی آن معین شود تا خواننده دریابد که برای مقصود علمی او مفید است یا نه.

نسخه‌شناسی

در شناساندن نسخه‌ها باید نکات زیر را به یاد داشت:

۱. خط نسخه که به کدامیک از کوفی و نسخ شرقی و نسخ مغربی و تعلیق و نستعلیق و شکسته و جز اینها است.

می‌شود. گواهی و نامگذاری فهرست‌نگار هم یکی از مدارک در این زمینه خواهد بود. صحت و اصالت و اعتماد به این مدارک بستگی به نظر محقق و متتبع دارد.

اگر کتاب را نامی نباشد، باید بر حسب موضوع بحث به آن نامی داد. اگر کتاب به نام دیگری مشهور شود، باید نامی را که مؤلف بدان داده است ملاک قرار داد و نام مشهور را به آن بازگرداند.

۴. مؤلف کتاب هم یا از نص و تصریح خود او در کتاب معلوم می‌شود یا اینکه شاگرد و راوی و مستملى و مجاز و مورخ و سرگذشت نگار آن را معین می‌کند یا اینکه در نسخه از مؤلف نام برده می‌شود. گرفتاری فهرست‌نگار هنگامی است که کتاب در دو نسخه به دو نفر منسوب شود؛ اینجا باید قراین تاریخی حاکم گردد. در تعیین مؤلف، گذشته از قواعدی که محققان جدید به دست داده‌اند می‌توان از مطالبی که علمای درایة الحدیث مانند نووی و ابن حجر و شهید ثانی یاد کرده‌اند بهره برد. ۵. تاریخ تألیف یا به نص مؤلف یا راوی و مستملى و کاتب نسخه معلوم می‌شود یا اینکه از روی قراین تاریخی مندرج در کتاب یا سبک نثر و نظم مؤلف و شواهد تاریخی دیگر معین می‌گردد.

۶. کتاب گاهی برای یکی از پادشاهان و بزرگان و وزیران و امیران و استادان و شاگردان و دوستان مؤلف نگاشته می‌شود. این نکته هم باید در فهرست قید شود.

۷. منابع کتاب را هم خوب است که فهرست‌نگار محقق معلوم سازد و از خواندن و دقت در کتاب و سنجش آن با متون دیگر و از روی قرائن تاریخی آنها را برشمرد.

۸. فصول و ابواب کتاب را باید فهرست‌نگار به دست دهد و اگر مطالب آن تجزیه نشده است باید گفت که چه مباحثی در آن هست. این امر در تشخیص کتاب در درجه اول است و بسیاری از کتابهای ناشناخته و ناقص را به آن شناخته‌ایم.

۹. در فهرستها باید آغاز و انجام خود کتاب و نه نسخه تنها یاد شود و بهتر است عکسی از آغاز و

سلسله‌ها یا تاریخ شروع و ختم کتاب که همه اینها باید در فهرست بیاید.

۹. اجازه‌ها و سماعها و روایت کتاب از مولف و طریق آن و بلاغ مؤلف یا استاد مشهور که کتاب را نزد او خوانده‌اند با یاد کردن تاریخ آنها و نکات تاریخی که در این اجازه‌ها و سماعها هست. همچنین کسانی که کتاب را در این نسخه خوانده‌اند یا از روی آن نسخه برداشته‌اند که باید در فهرست به‌طور مشروح یاد شود.

۱۰. مقابله و عراض نسخه با نسخه‌های دیگر یا نسخه مولف که در بسیاری از نسخ مورخ است و نشان داده می‌شود که نسخه از کی و چگونه تهیه شده است.

۱۱. تملک و خرید و فروش و بخشیدن و وقف نسخه با تاریخ آن اگر داشته باشد و وصف مهرها و سجل آنها؛ و از اینجا دانسته می‌شود که نسخه از کجا تهیه شده و به کجاها سفر کرده است و برای چه مدرسه یا مزار یا کسانی وقف یا اختصاص داده شده است. گاهی هم مخارج تهیه نسخه به سیاق یا به رقم و وصف نسخه از رهگذر کتابداری و نسخه‌شناسی با نشان دادن اصطلاحات کتابداری زمان از این گونه یادداشتها به دست می‌آید یا معین می‌شود که در چه تاریخ‌هایی نسخه دیده شده و در کتابخانه‌ای که بوده است بازرسی شده است.

۱۲. نوع کاغذ از سمرقندی و بخارایی و بغدادی و استانبولی و اصفهانی و فرنگی و همچنین آهن و چوب و پوست آهو و وصف کاغذ از ترمه و فستقی و آهار مهره و متن و حاشیه و جز اینها که در این مورد فهرست‌نگار باید از کاغذشناس بی‌رسد اگر خود نداند.

۱۳. نوع جلد از ساغری و تیماج و میشن و روغنی و سربی و سوخته و رنگها و آرایشها و نوشته‌های آن و بودن آن بالولا و پوشه و محافظه و شیرازه و جز اینها.

۱۴. اندازه نسخه با تعیین عرض و طول نوشته درونی درازا و پهنا و ستبرای بیرونی و شماره سطور و ابیات و کلمات در هر سطری درباره کتابها و رساله‌های مهم.

همچنین اندازه مشهور از رحلی و وزیری و خشتی و رقی و ربع و ثمن و بغلی و جیبی و طومار و بیاضی.

۱۵. شماره نسخه در کتابخانه که نشان‌دهنده جایگاه کتاب در گنجینه است. ولی باید کوشید که

شماره کتاب ساده‌تر باشد و در کتابخانه به آن یک شماره بیشتر ندهند تا نسخه کمتر آلودگی پیدا کند.

وظایف فهرست‌نگار

۱. نسخه را به دقت بخواند و بررسی کند.

۲. به مدارک تاریخی بنگرد.

۳. به فهرست دیگران رجوع کند تا ببیند چه گفته‌اند تا خود در اشتباه نیفتد و اشتباه آنها را رفع کند.

۴. به مقالاتی که درباره یک یا چند کتاب نوشته‌اند باید نگریست و دانست که دیگران درباره آن چه گفته‌اند و این خود راهنمای خوبی است و رنج فهرست‌نگار را کم می‌کند. در این مورد باید فهرست مقالات فارسی آقای ایرج افشار و ایندکس اسلامیکوس همیشه پیش چشم فهرست‌نگار باشد.

مجموعه‌ها و جنگها و سفینه‌ها و بیاضها و

کشکولها

در این موارد باید محتویات آنها را به دقت نگریست و همه آنها را در فهرست به تفصیل یاد کرد. در مجموعه‌ها باید هر یک از رساله‌های آنها را جداگانه از دو رهگذر کتابشناسی و نسخه‌شناسی بررسی کرد، خواه یکجا و با آوردن نام هر یک از رساله‌ها دوباره به ترتیب تهجی در جای خود یا تجزیه کردن رساله‌های مجموعه و درآوردن هر یک در جای خود. ولی روش نخستین بهتر است و مجموعه را به‌طور کامل در یکجا نشان می‌دهد.

کتابهای گمنام و بی‌نام و با افتادگی و ناقص

در این موارد پس از نگاه به خود نسخه و بیرون کشیدن قرائنی که در آن هست موجب تشخیص آن می‌گردد، به‌خصوص فصول و ابوابی که در نسخه هست، باید گمانه زد و به فهرستها و مقالات رجوع کرد تا شاید مشابه یا عین آن را کامل یا ناقص یافت. اگر هم این سنجش و بررسی به جایی نرسید، باید آن را به‌طور کامل وصف کرد تا اگر فهرست‌نگار دیگری نسخه کامل دیگری از آن پیدا کرد بتواند دریابد که این دو یکی هستند.

در اینجا به مثل گفته می‌شود که در فهرست بادلیان از یک رساله منشور کیمیایی و یک رساله منظوم آن هم کیمیایی و در فهرست تاشکند از

رساله‌ای در زراعت و در فهرست منچستر از رساله‌های فارابی و در فهرست بهار هند از رساله‌هایی در منطق یاد شده است. ولی با پیدا شدن نسخه‌های تجارب شهریاری و کنزالحکمة کوفی و ارشاد الزراعة و تلخیص منطق ارسطو از ابن‌رشد و اغراض ارسطاطالیس المنطقية از ابن زرعه در ایران و سنجیدن مشخصات آنها با آنچه که نگارندگان این فهرست نوشته‌اند به دست آمده که در کتابخانه‌های مربوط به این فهرستها یا جای دیگر هم نسخی از این رساله‌ها هست و پاره‌ای از اشتباهها هم رفع شده است. تقسیم‌بندی کتاب در این مورد بهترین راهنما خواهد بود.

فهرست مشترک

در دانشگاه تهران با همکاری بنیاد فرهنگ ایران در نظر گرفته شد که خلاصه همه فهرستهای کتاب فارسی در یک کتاب به نگارش درآید تا بدانیم از هر کتاب چند نسخه هست و در کجاست و با چه تاریخ؛ چنانکه بروکلن و سزگین برای کتابهای عربی این کار را کرده‌اند و استوری هم برای چندبخشی از علوم درباره کتابهای فارسی چنین فهرستی نوشته است. اکنون دانشمندان انگلیسی می‌خواهند آن را کامل کنند و دانشمندان روس می‌خواهند آن را به نحو کاملتری به روسی برگردانند. چنین فهرستی هم برای کتابهای ترکی در جریان است.

فهرستی مشترک به زبان فارسی برای نسخ ایرانی فارسی توسط احمد منزوی و با همکاری مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای زیر چاپ است و مجلد نخستین آن نشر شده است و دنباله آن هم ادامه دارد. امید است که فهرست نسخه‌های فارسی اروپایی هم هر چه زودتر سرو صورتی به خود گیرد. برای نسخ ایرانی کتابهای عربی نیز یکی از فهرست‌نگاران ایرانی (دکتر محمد باقر حجتی) فهرست مشترک می‌نویسد.

این بود آنچه که به منزله شالوده و طرح برای این محبت مهم در اینجا آورده‌ام و می‌دانم که نقص فراوان در آن هست. امیدوارم که فهرست‌نگاران و کتابشناسان آن را بخوانند و به نکات دیگری برخوردند و افادات خویش را به اطلاع خواستاران برسانند.